

جایگاه فرزند در آثار زنان معاصر (پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی)

آرزو بابایی حقیق

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به مطالعه و بررسی جایگاه زن و فرزند در ادبیات معاصر ایران با مقایسه آثار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی پرداخته است. روش پژوهشی توصیفی - کتابخانه‌ای بوده و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. ابزارهای پژوهش نیز مقالات و کتب مرتبط با موضوع بوده است. در این پژوهش بخش‌هایی از آثار سه شاعر نامدار زن ایرانی پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی که در آن به رابطه مادر و فرزند اشاره شده است مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. نتایج نشان داد که جایگاه فرزند همواره در آثار ادبی به‌ویژه آثار ادبی زنان وابسته به جایگاه و نقش مادری بوده و تمام شاعران تلاش کرده‌اند تا اهمیت و جایگاه فرزند را از ابعاد گوناگون در زیر سایه مهر و محبت مادری برجسته نمایند. در دوره معاصر و همزمان با گسترش حضور زنان در اغلب عرصه‌های هنری در اقلیم عالم، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی، شعرای بزرگ ایرانی نیز به عواطف در شعر خویش پرداختند.

واژه‌های کلیدی: پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، زنان، مادر، فرزند

۱- مقدمه

به منظور بررسی و ارزیابی جایگاه آثار شعرا و نویسندگان معاصر در کشور، ارزیابی رویکرد آنها به ادبیات از دو منظر ۱- فنون ادبی و زیبا شناختی و ۲- کاربست مضامین مختلف در آثار خود بسیار حائز اهمیت است. از میان این دو رویکرد، رویکرد هنری آنان در زمینه استفاده از واژگان، مفاهیم عناصر در آثار شعر، توانسته نه تنها بیانگر نگرش وی به محیط پیرامون خود باشد، بلکه سبب تمایز آن اثر از نظر بدیع بودن و استفاده از نبوغ ادبی در بین سایر شعرا و از جمله شعرای معاصر زن بوده است. از جمله این مضامین که سیمای آن در آثار شعرای معاصر تجلی یافته است، کارکرد فرزند به عنوان یک مضمون در شعر زنان معاصر است که به طرق مختلف در آثار شعرا تجلی یافته است. زنان به دلیل احساسات لطیف تر و در نتیجه دنیایی متفاوت تر از واژگان متفاوتی استفاده می کنند و به مسائلی توجه می نمایند که ذهن مردان نسبت به آنها بی اهمیت است. از جمله این واژگان، توجه به کودکان و علایق آنان است. مادر بودن، زن بودن، دختر بودن و در نهایت کودک بودن از مواردی است که با اندکی تامل در اشعار زنان شاعر می توان به آنها پی برد. بعضی شاعران احساسات مادرانه شان را وارد شعر می کنند و از کودکان و یا فرزند خود می سرایند و برخی دیگر به دنیای کودکی می روند و از احساسات پاک کودکی شان می گویند و دنیایی را برایمان ترسیم می نمایند که پر از تفکرات ناب، منحصر به فرد و لطیف است. از مهمترین شاعران زن ایران می توان به پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد و دیگران اشاره کرد که با اشعار ساده و لطیف خود، گام موثری در راه بروز احساسات ناب زنانه و مادرانه برداشته اند. اگرچه هر یک از آنها با نگاه متفاوتی به دنیای خود شعر سروده اند اما وجوه اشتراکی نیز دارند که یکی از آنها اشاره به کودک و کودکی است. در این پژوهش، محقق در نظر دارد با یک مطالعه جامع و متمرکز بر روی استفاده شعرای معاصر زن از واژه فرزند و یا کودک در آثار خود، به بررسی تفاوت و شباهت های رویکرد ادبی در این زمینه اقدام نماید.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

جایگاه زنان شاعر در ادبیات معاصر کشور از اهمیت بالا و زاید الوصفی برخوردار است و بسیاری از این زنان از جمله سیمین بهبهانی، پروین اعتصامی و فروغ فرخ توانسته اند آثار ارزشمندی را به عرصه ادبیات کشور تقدیم کنند. از جمله نمود های قدرت و زیبایی و گیرایی شعر این شعرا، رویکرد آنان به مضامین مختلفی از جمله جایگاه کودک و فرزند در خانواده، عواطف و احساسات لازم برای درک و تربیت آنان، حمایت از فرزندان خود و کودکان یتیم و در معرض آسیب و نیز خلق فضا های کودکانه برای آنان با در نظر گرفتن شرایط سنی و روحیه دوران کودکی است. در این پژوهش، با توجه به اهمیت آثار زنان معاصر، محقق لازم دیده که با تمرکز بر روی جایگاه فرزند در آثار این شعرا، به بررسی نقاط قوت و شباهت ها و تفاوت ها در بیان جایگاه کودکان و فرزندان در آثار شعرای نامی زن معاصر بپردازد.

۳. پیشینه تحقیق

ادب کهن فارسی، یکی از غنی ترین ادبیات جهان است، چه در گستره ی حماسه که شاهنامه ی فردوسی نمونه ی برجسته ی آن است، چه در عرصه ی قصه های عاشقانه و عامیانه که هزار و یک شب با اصل هند و ایرانی خود نمونه ی بارزی از آن هستند و چه در گستره ی منظومه های عاشقانه که شاعران سخن پروری چون گرگانی، نظامی، جامی و دیگران داستان های کهن را به نظم در آورده اند. داستان های عاشقانه ای که زنان در آنان نقش فعال دارند و شخصیت و موقعیت این زنان نشانی از نگاه زمانه ی باستان به زن در خطه ی ایران می باشد. با اینحال و در یک جمع بندی کلی در مورد نقش زنان در ادبیات داستانی پس از مشروطه جهان آرمانی مردان به تدریج دچار دگردیسی می شود و دنیای بسته ی زنان که در دوقطب فرشتگی و لکاتگی سیلان دارد، یکباره آشفته می شود و علی رغم افت و خیزهایی که در پرداخت شخصیت زنان در رمان های این دوره، تا پیش از انقلاب ۵۷ مشاهده می کنیم. زنان در کشمکش نابرابر خود را در عرصه رمان به رخ می کشند و در برابر تردیدها و مقاومت های راوی می ایستند تا حضور خود را در رمان که بازتابی تخیلی هستی است، اثبات کند. در همین راستا به برخی مقالات اشاره شده است

که به نوعی به این مقوله پرداخته اند: در پژوهشی با عنوان جایگاه زن ایرانی در شعر معاصر نشان داده شد که شاعران ارزش های انسانی و اجتماعی خود را درک کردند و هویت خویش را با نوشته هایشان به تصویر کشیدند. ایشان برای شکسته شدن قفل اسارت زن ایرانی و رسیدن به برابری حقوق زنان و مردان، بر حضور زنان در عرصه های گوناگون اجتماعی و فرهنگی تأکید می کردند. در این راستا، بانوان شاعر، با ابزار شعر راجع به وضعیت زنان در جامعه ی ایران داد سخن دادند و ضمن ریشه یابی علل تنزل زن در جامعه، به بانوان معاصر خویش راه حل ها و راهکارهایی را جهت احراز هویت و منزلت اصلی خود پیشنهاد دادند. از میان بانوان سخنور، ژاله قائم مقامی، پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی در باب زن و مسائل بانوان، نظرات ژرفتری دارند و بیشتر به آن پرداخته اند (۱). در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی تطبیقی و تحلیلی جایگاه و نقش زن در مقام مادر و همسر در رمان معاصر ایران و سنگال (با تأکید بر دو رمان شوهر آهو خانم و نامه ای بسیار طولانی) محققان دریافته اند ادبیات جایگاهی ویژه در بازنمایی جامعه دارد. رمان قالب ویژه ی ادبی و آینه واقع نمای رخدادهای جامعه و تحت تأثیر تحولات آن است. به ویژه اینکه در هر دو کشور ایران و سنگال این سبک نگارش با دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی همراه بوده است. خانواده مهم ترین و اساسی ترین رکن اجتماع است. مفهوم خانواده در اکثر رمانهای معاصر نقش کلیدی دارد و همواره نقش اصلی داستان در قالب خانواده معرفی می شود. از سویی دیگر، پرداختن به نقش هایی که انسان ها در خانواده به خود می گیرند، غالباً بیانگر واقعیت های موجود جامعه است. به مناسبت شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر هر دوره، چگونگی توجه به مسئله نهاد خانواده در آن دوره متفاوت است و دغدغه نویسندگان در بازتاب مسائل خانواده با اوضاع اجتماعی زمانه مناسبت تام دارد (۲).

۳-۱- مفهوم جایگاه فرزند

به معنی زاده شده از یک پدر و یک مادر... اولاد. این واژه پهلوی قدیم است ساخته شده از فر (والا، بزرگ) به اضافه پسوند زند (زندگی و یا شان زندگی). آریاییان دنیا آمدن هر کودکی را نشانی از شکوه مندی زندگی می دانستند (لغت نامه دهخدا).^۱ در میان اغراض و معانی شعر فارسی و عربی آنچه از زیربنای عاطفی بسیار استوار برخوردار است و در عین حال از تخیل یعنی مهمترین عنصر شعر به کمال بهره دارد، ارتباط مادر و فرزند است. خاصه بیان دلتنگی، نگرانی، ابراز شادی، غم و اندوه بخاطر فرزند، سوگ فرزند، تلاش برای فرزند و ... که تمامی اینها بی هیچ گونه اغراقی نمودی بیرونی از عواطف متراکم است که با آمیزه هایی از ابداعات مخیل، امکان تجلی پیدا کرده است. از اینرو در آثار ادبی به ویژه آثار ادبی زنان معاصر فرزنده از جلوه و جایگاه خاصی برخوردار بوده و توجه خاصی بدان شده است (۳). با این حال آنچه در این آثار مشاهده می گردد این است که جایگاه فرزند جدای از جایگاه مادر نیست و برای آنکه به اهمیت و ویژگی خاص جایگاه فرزند بتوان پی برد در وهله اول باید جایگاه مادر و تأثیری که مادر و فرزند از هم میگیرند اشاره کرد از اینرو در خصوص مقام زن در نقش مادر در ادبیات ما بسی سخن ها رفته است. زن در این جایگاه سمبل فداکاری، ایثار، شکیبایی و عاطفه است و پرورش دهنده افلاطون ها و سقراط ها. «در آثار حماسی کوشش مادر در نجات فرزند از چنگ دشمن به عنوان نقطه عطف حماسه و تاریخ معرفی می شود و صفاتی چونان مادر پرهیز، خردمند مام، آرایش روزگار و اندرز ده بدو نسبت داده شده است.» (۴).

۳-۲- ارتباط مادر و فرزند در آثار ادبی

در آثار ادبی کهن و معاصر فارسی اشارت متعددی به اهمیت و جایگاه فرزند، مادر و ارتباط تگاتنگ این دو با یکدیگر شده است و در این راستا نمونه های فراوانی وجود دارد. برای مثال داستان فرانک مادر فریدون در داستان ضحاک، در این داستان فرانک زن آبتین و مادر فریدون که پس از کشته شدن شوهرش به دست ضحاک ماردوش، از بیم وی فرزند را به بر می گیرد و به مرغزاری می برد تا صدمه نبیند و زنده بماند. در قاموس زندگی، برای مادر، داشتن چنین

۱: (شاهمردی و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۶-۴۱).

آرزویی، سرآغاز وارستگی‌ها و نقطه همه پاکبازی‌هاست. این مادر تنها، و مادر فرزندی آزاده است که جز اوایی ندارد، سرانجام با تدبیر او را از کشور خارج می‌کند و به مردی پاک دین و پارسا می‌سپارد، پاک دین طفل را پرورش می‌دهد. فریدون سرانجام به وسیله مادر از ماجرا و زندگی گذشته اش آگاه می‌شود و تصمیم به خونخواهی می‌گیرد. فرانک از آشفتنی فرزند می‌هراسد، و در عین حال غرق غرور می‌شود و با پند و اندرز، او را از انجام کار نااندیشیده باز می‌دارد. فریدون سرانجام بر اثر راهنمایی‌های مادرش و به یاری مردم بر ضحاک پیروز می‌شود. همین‌طور تدبیر و کاردانی زن به عنوان یک مادر گاهی موجب جلوگیری از جنگ میان دو کشور و نجات خانواده و ملت می‌گردد. سیندخت نیز در ادبیات زنی است که جایی بس والا دارد. در خردمندی و تدبیر بی‌همتاست. هنگامی که از راز دل و عشق دخترش به زال آگاه می‌شود به چاره کار دختر و نگهداشت جان او از خشم پدر می‌پردازد. سیندخت زنی است کاردان و ژرف بین، مانند هر همسر و مادر خوبی، درشتی مرد را به خاطر فرزند تحمل می‌کند و مانع از آن می‌شود که بگذارد خشم و تهدید شوهر از قوه به فعل در آید. خشم شوهر را درک می‌کند و درد او را درد خود می‌داند:

گزند تو پیدا گزند من است دل دردمند تو بند من است

سیندخت با نرمی و ژرف نگری شوهرش را قانع می‌کند که از کشتن او و دخترش حاصلی به دست نخواهد آمد و باید تدبیر به کار برد و تدبیرش اینک به عنوان سفیر از طرف شوهر پیش سام که به فرمان منوچهر به خاطر عشق به زال و رودابه به نیت جنگ آمده بود، می‌رود. وی بیم جان را به خاطر محبت فرزند در این رسالت به خود هموار می‌کند اما قبل از رفتن به عاطفه مادری از شوهرش قول می‌گیرد و می‌گوید: تو هم شرط کن که به رودابه آزار نرسانی. وی ابتدا از شوهر در باره ایمنی دختر پیمان سخت می‌گیرد، آنگاه دست به کار می‌شود و به تدبیر خویش نظر سام را نه تنها به حفظ ضرورت صلح جلب می‌کند، بلکه او را راضی می‌کند تا دخترش را برای زال به همسری برگزیند و همچنین است داستان تهمینه و سهراب، فرود و مادرش جریره زن سیاوش و ... که در تمام این داستان‌ها زن در نقش مادری اش نه تنها رنج را برای پرورش فرزند تحمل می‌کند بلکه به خاطر پروردن کودک ستایش می‌شود. حتی در مواردی که ازدواج بدون رضایت و تمایل قلبی زن صورت می‌پذیرد اما وقتی که همین زن مادر می‌شود برای تربیت نیکو و آموزش انواع فنون به فرزندان - که اغلب پسرند - تلاش می‌کند. در این داستان‌ها با فداکاری زن و وفاداری او زمینه وجود نهاد اجتماعی سالم و دلپذیری فراهم می‌شود که عشق و پاکی در آن موج می‌زند. آنها در اوج جوانی به حفظ و نجات زندگی نه به خاطر وجود یک عشق، بلکه به خاطر فرزند و پرورش آنها می‌پردازند و در واقع تمام ساختمان حیات ادبی ما در این موضوع بر پایه آن استوار است. «خلاصه باید گفت که مادر برای تجدید ارزش حرمت زن بودنش فرزند را رها نمی‌کند، بلکه ریشه حفظ امید به فرزند را هر چه بیشتر در دل می‌پروراند که خود حرمتی مردانه است و بنابراین حرمت و شرافت تمامی زنان به بحث گذارده می‌شود. بدین ترتیب می‌بینیم که زن در حماسه ایرانی در نقش مادر مقامی والا دارد و همیشه مایه مباحثات و مورد احترام فرزند است.» همچنین در آثار عرفانی نیز از داستان‌های زنانی نام برده می‌شود که عشق فرزند را در دل و جان خود پرورانده‌اند. در آغاز منطق الطیر داستان مادری آمده که کودکش در آب می‌افتد. مادر در تکاپوی نجات فرزند، خود را به آب می‌زند و فرزند خود را در آغوش گرفته و شیر می‌دهد. در پایان عطار هم از خداوند می‌خواهد که ما را چون مادری مهربان در آغوش بگیرد.

شیر ده ما را ز پستان کرم بر مگیر از پیش ما خوان کرم (۵).

در همین کتاب عطار، داستان مادر دیگری را نقل می‌کند که بر خاک دختر خویش نشسته و می‌گرید راه بینی به سوی آن زن می‌نگرد و می‌گوید که این زن از مردان بسی جلوتر است چرا که می‌داند چه کسی را گم کرده که این گونه ناصبور افتاده است:

مادری بر خاک دختر می‌گریست راه بینی سوی آن زن بنگریست
گفت این زن برد از مردان سبق زانکه چون ما نیست و می‌دانی به حق
کز کدامین گمشده ماندست دور وز که افتادست زین سان ناصبور (۶).

۳-۳- بررسی جایگاه زن در پهنه ادبیات فارسی

اهمیت خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، مسأله ای غیر قابل تردید است. تأثیر خانواده در کودک از نظر فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی بسیار مهم و بارز است؛ زیرا طفل، مبانی زندگی را در آنجا فرا می گیرد و خوب و بد را از آنجا می آموزد. از این رو، خانواده ای که آرامش روحی بر آن حکم فرماید، بهترین آموزشگاه برای کودکی است که باید در آینده به جرگه عظیم اجتماع بپیوندد. بیشتر «بایدها» و «نبایدها» «خوبیها» و «زشتیها» و روحیات کودک در خانواده پایه گذاری می شود. آشنایی با روشهای تربیت کودک از ضروریات زندگی خانواده ها است. بر هر پدر و مادری لازم است که قبل از تولد فرزندشان، اصول اولیه تربیتی را فرا گرفته، خود را برای رسالت سنگین تربیت فرزند، با استفاده از شیوه های صحیح تربیتی و کاربرد آن در مقاطع مختلف سنی، آماده کنند (۷). تربیت کودک چنان حائز اهمیت است که استاد شهید مطهری در زمینه تعریف تربیت می گوید: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت در آوردن استعدادهای درونی ای که در یک شیء هست؛ و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها صادق است.» پس، تربیت، یک عمل عمدی، آگاهانه و دارای هدف است که به منظور رشد دادن، ساختن، دگرگون کردن و نیز شکستگی استعدادهای مادرزادی انجام می شود (۸). کودک، یکی از افرادی است که تحت تربیت پدر و مادر خویش قرار می گیرد و بسیاری از روحیات فرهنگی - اجتماعی او با نظارت پیگیر و مداوم آنها حاصل می شود. این خانواده است که او را صالح یا فاسد بار می آورد، و عامل شکل گیری نوع جهان بینی کودک، شخصیت و مسایل روحی و روانی او و محدوده تأثیرگذاری آنها می شود. او دین، شرافت، اعتماد به نفس، صدق و صفا، نوع دوستی، همدلی با دیگران، احترام به قانون، احساس مسؤولیت و تعاون را از پدر و مادر می آموزد (۷). کودک همان گونه که از نظر جسم، آسیب پذیر است و در برابر کمترین و کوچکترین حادثه ای واکنش، نشان داده و بیمار می شود، از نظر اخلاقی و روانی هم به همان اندازه یا بیشتر، آسیب پذیر است. او بسیاری از حالات و رفتارهای فردی و اجتماعی خود را از بزرگترها تقلید می کند و در نظم، احترام به قانون، پای بندی به مذهب، ادب، خشونت، بی بند و باری، ناسازگاری و ... از اطرافیان خود شکل می گیرد. اگر والدین و مربیان ما همان قدر که به شکستگی دست و پا یا ناراحتی چشم و گوش فرزند خود اهمیت داده و سرمایه گذاری می کنند، برای تربیت روحی و اخلاقی او سرمایه گذاری می کردند و از دروغویی، بی ادبی و بی علافگی او به مذهب و دیگر بیماریهای روانی رنج می بردند، و برای درمان آنها به اهلش مراجعه می کردند، جوانان ما در سطح بالایی از اخلاق و تربیت قرار داشتند، زیرا تأثیرپذیری کودک از اقدامات و ارشادهای مربیان بسیار سریع است (۴). امیر مؤمنان علی علیه السلام برای فرزندش امام حسن مجتبی (ع) چنین نوشت: «و انما قلبُ الحَدَثِ کَلأَرْضِ الخالیةِ، ما الّقی فیها قَبِلتَه فَبَادَرَتْکَ بِالآدبِ قَبْلَ أَنْ یَقْسُوَ قَلْبُکَ وَ یَسْتَعِیْلَ لُبُکَ». ذهن کودک همانند زمین خالی است که هر بذری در آن قرار داده شود، می پذیرد و ثمر می دهد. پس من پیش از آنکه ذهن تو، به واسطه چیزهای دیگر (دوستان و محیط و ...) شکل گیرد و سخت شود، و فکرت مشغول و سرگرم گردد، اقدام به تربیت تو نمودم. آن حضرت در این کلام حکیمانه، رسالت تربیتی پدر و مادر را یادآور شده اند. پدر و مادر باید قبل از اینکه کودک، تحت تأثیر محیط و شرایط آن قرار گیرد، فرزندشان را دریابند و با بر آوردن نیازهای روحی و عاطفی او و جهت دادن به آنها، او را در مسیر مستقیم الهی قرار دهند (۸).

۳-۴- رابطه فرزند و مادر در اشعار پروین

فرزند و نقش مادرانه در اشعار پروین اعتصامی دارای مقامی والا و در خور تکریم است. اینکه اعتصامی در زندگی کوتاهش مجال مادر شدن را به صورت بیولوژیکی نمی یابد، اهمیت چندانی ندارد. او در مقام یک نویسنده به خوبی به وظایف مادرانه واقف است و در اشعار متعدد آن را آموزش می دهد. اعتصامی شاعر بر این باور است که نخستین ویژگی مادر مهرورزی و عشق بی قید و شرط او به فرزند است. او در شعر حدیث مهر در قالب تمثیل اخلاقی گفتگوی گنجشک و کبوتر این موضوع را به مخاطبش گوشزد می کند:

گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان روزی تو هم شوی چو من ایدوست مادری

آرایه ایهام: مهر ۱. خورشید ۲. مهر و محبت

گرد تو چون که پر شود از کودکان خرد جز کار مادری نکنی کار دیگری

دفتری (دیوان پروین اعتصامی، ۲۰۹). هیچ این، از ندیدم تر فرخنده ای وظیفه مادر، زحمت چو نشد شیرین در شعر فوق، شاعر معتقد است که درک حدیث مهر تنها از عهده کسی برمی آید که مادر بودن را تجربه کند. در مصراع دیگر شاعر از مادر به عنوان پرستار یاد می کند. این دیدگاه شباهت زیادی به تبیین روانشناسانه (Keirse ۱۹۹۸) نقش مادرانه دارد که از آن منظر بزرگترین نقش مادر حفاظت از فرزند است. کیرسی مادر ترزا را نماد برجسته این نقش معرفی می کند. از سوی دیگر، ماندن درآشیا را می توان اشاره ای تلویحی به زندگی محدود در منزل تلقی کرد که مادر آگاهانه آن را پذیرفته است (۹). اگر چه شخصیت زن به طور مطلق در جوامع گوناگون، بسته به دین و فرهنگ غالب بر انواع هیجان های خوشایند کلمه ی مادری برای اکثر مردم جامعه، متغیر و متفاوت است اما، در نگاه کلی مثل محبت، قدرت، حمایت، آمادگی خدمت گذاری و ایثار را تداعی می کند. در تشبیهاتی که اطفال یتیم از مادران خود ارائه می دهند نیز، ارزش مادر به روشنی آشکارست.

مادرم بال و پرم بود و شکست مرغ، پرواز به بال و پر کرد (پروین اعتصامی، ۴۴).

در بیت بالا از آرایه استعاره استفاده شده و بال و پر استعاره از اعضای بدن دارد.

مادرم گوهر من بود ز دهر زاغ گیتی، گهرم را دزدید (پروین اعتصامی، ۱۷۷).

آرایه تشبیه وجود دارد تشبیه مادر به گوهر

گل اگر بود مادر من بود چون که او نیست گل به گلشن نیست (پروین اعتصامی، ۳۴).

در بیت فوق آرایه تشبیه وجود دارد تشبیه مادر به گل

مهر و عطوفت مادری امری فطری است که خالق هستی در وجود مادران به ودیعه نهاده است، لذا این ویژگی در وجود تمام مادران به عنوان سرمایه ای بالقوه برای پرورش فرزند دیده می شود و اگر احیاناً در میزان و چگونگی بروز آن، گاهی اختلافات و اختلالاتی دیده می شود، منشأ آن را در عوامل تأثیر گذار دیگر باید جستجو کرد (۱۰). در واقع مادر، واسطه ای میان دنیای درون ذهنی کودک و دنیای واقعی خارج از وجود او محسوب می شود و توجه مادرانه، باعث تثبیت فردیت و هویت شخصی کودک می گردد- (می توان گفت مراقبت محبت آمیز مادر از فرزندش، امری منحصر به فرد است؛ چرا که متناسب با نیازهای خاص و فردی هر کودک صورت می گیرد و جایگزینی چنین محبتی بسیار دشوار می نماید (۱۱). روان شناس نامی کودک گینات می گوید محبت مثل ثروت است. پروین اعتصامی نیز در مصرعی، عشق فرزند را ثروت زن می داند:

حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹، ۲۰۱).

آرایه تشبیه: فرزندان به ثروت زن تشبیه شده اند.

مهر مادری، بارزترین ویژگی مادر در دیوان پروین اعتصامی است که به انحای گوناگون، گاه از زبان طفل یتیم، گاه از زبان حیوانات به ویژه طیور و گاه در قالب ماجراهای تاریخی و شخصیت های واقعی به آن اشاره می شود. گرچه رشد عقلانی و عاطفی کودک در گرو محبت والدین است و پدر و مادر در برآورده کردن نیازهای کودک از این حیث می توانند هردو مؤثر باشند؛ اما مادر به سبب ویژگی های خاصی که نظام آفرینش در او تعبیه نموده، کانون محبت قلمداد می گردد و کودک بیشتر از این آبخور خود را سیراب می سازد:

حدیث مهر کجا خواند طفل بی مادر؟ نظام و امن کجا یافت ملک بی سلطان

آریه استعاره: طفل بی مادر استعاره از کودک یتیم است.

آرایه ایهام: مهر ۱. خورشید ۲. مهر و محبت

در نتیجه اعتصامی عزت فرزندان را ناشی از مادر می داند و حزن یتیمی را در چهره کودک می مشاهده می کند که بنابر عقیده بسیاری از ایرانیان، از نعمت داشتن مادر بی بهره است.

او در قطعه ای از شعر " طفل یتیم " می گوید:

کودکی کوزه‌ای شکست و گریست / که مرا پای خانه رفتن نیست...
روی مادر ندیده ام هرگز / چشم طفل یتیم، روشن نیست
کودکان گریه می کنند و مرا / فرصتی بهر گریه کردن نیست
دامن مادران خوش است، چه شد / که سر من، به هیچ دامن نیست
آرایه استعاره: دامن استعاره از آغوش مادر... (دیوان پروین اعتصامی، ۳۰۰).

جالب این جاست در دیوان پروین، یتیمان بیشتر دخترند و بیشتر از درد بی مادری شکوه می کنند چنانکه اعتصامی در شعر "تیره بخت" از زبان دخترکی یتیم سخن می گوید که در محفل شادی و طرب به دلیل آراسته نبودن، مضحکه دوستانش گردیده است، اعتصامی احساسات دخترک بی مادر را بدینسان منظوم می سازد:

دختری خرد شکایت سر کرد / که مرا حادثه بی مادر کرد...
موزه سرخ مرا دور فکند / جامه مادر من در بر کرد...
نزد من دختر خود را بوسید / بوسه اش کار دو صد خنجر کرد
آرایه اغراق: ناراحتی که بواسطه بر دلش نشستهم چون خنجر دردناک است
عیب من گفت همی نزد پدر / عیب جوئیش مرا مضطر کرد...
مادرم مرد و مرا در یم و دهر / چو یکی کشتی بی لنگر کرد (دیوان پروین اعتصامی، ۱۹۴-۱۹۳).
آرایه استعاره: کشتی بی لنگر استعاره از طفل یتیم
یا در جای دیگر میگوید:

دختری خرد به مهمانی رفت در صف دخترکی چند خزید
آن یک افکند بر ابروی گره وین یکی جامه به یک سوی کشید...
مادرم دست بشست از هستی دست شفقت به سر من نکشید...
آریه استعاره: دست بشست از هستی کنایه از مردن
آرایه جناس: دست

من کجا بوسه مادر دیدم اشک بود آنکه ز رویم بوسید (پروین اعتصامی، ۴۳).

آرایه تشخیص: (جان بخشیدن به اشک) تر شدن گونه توسط اشک را بوسه بیان کرده است. بوسیدن کار اشک نیست.

خرم آن طفل که بودش مادر روشن آن دیده که رویش می دید (پروین اعتصامی، ۱۷۶-۱۷۷).

حتی دخترک یتیم در قطعه ای به نام بی پدر بر سر خاک پدر از بی مادری ناله سر می دهد و آرزوی مرگ می کند:

به سر خاک پدر، دخترکی صورت و سینه به ناخن می خست

که نه پیوند و نه مادر دارم کاش روحم به پدر می پیوست (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹، ۱۶۲).

آرایه کنایه: کنایه از مرثیه خوانی و عزاداری

شعر فوق روایت ایرانی و زیبایی اعتصامی از کهن الگوی سیندرلاست که در فقدان مادر متحمل رنج و تعب بسیار می گردد؛ اما در این نسخه ایرانی، شاهزاده یا نجات دهنده‌ای وجود ندارد که زندگی سیندرلا را دگرگون سازد. زندگی دخترک بی مادر بیشتر به دخترک کبریت فروش کریستیان آندرسن می ماند که محتوم به زندگی در دنیای حقیقی است و می داند که "زادن و کشتن و پنهان کردن / دهر را رسم و ره دیرین است" و چاره ای بجز "تسلیم و ادب و تمکین" در برابر تقدیر نیست. لذا شاعر می کوشد با تهییج حس همدلی در خواننده وی را ترغیب به عنایت و بذل کمک بیشتر به درماندگان و به ویژه یتیمان نماید. در واقع در شعر فوق پروین، یتیمی را بزرگترین رنج کودکان و مادر داشتن را از بزرگترین نعمت های آنان می داند. در عین حال از جمله علایق کودکان، پوشیدن لباسهای تمیز و زیبا، داشتن وسایل و اسباب بازیهای نیکو و در رأس همه اینها جلب و احساس گرمای محبت و عشق دیگران خصوصا والدین نسبت به خود است، پروین در شعر بالا کودکی یتیم را

وصف کرده که از این نعمتها محروم شده است. شفقت و دلسوزی شاعر نسبت به یتیمان حتی شامل جانوران نیز می گردد. در شعر "ای گربه" وی از گربه‌ای سخن می گوید که فرزندان را رها کرده و آنان در انتظار بازگشت مادر، آشفته و آواره سر به دامن گربه های دیگر نهاده اند:

ای گربه ترا چه شد که ناگاه رفتی و نیامدی دگر بار...

فرزند ز مادر است خرسند بیگانه کجا و مهر مادر (دیوان پروین اعتصامی، ۱۴۸).

آرایه ایهام: مهر ۱. خورشید ۲. مهر و محبت

در مضامین فوق شاعر استعاره جدایی مادر از فرزند را به شکلی ماهرانه در وصف گربه مادر به کار می گیرد تا آن را به عنوان عملی مذموم و دمنشانه تقبیح نماید. ویژگی مادرانه دیگر اعتصامی ایمان راسخ او به خداوند است که در شعر "لطف حق" آنجا که با مادر موسی همذات پنداری می نماید تجلی می یابد:

مادر موسی، چو موسی را به نیل / درفکند از گفته رب جلیل

خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه / گفت کای فرزند خرد بی گناه

گر فراموش کند لطف خدای / چون رهی زین کشتی بی ناخدای...

و آنگاه که می ترسد مهر مادرانه خللی در ایمانش وارد کرده و او را اسیر شک و تردید سازد می گوید:

وحی آمد کاین چه فکر باطل است / رهرو ما اینک اندر منزل است...

در تو تنها عشق و مهر مادری است / شیوه ما عدل و بنده پروری است... (پروین اعتصامی، ۱۵۳).

همانطور که گفته شد، توجه به کودکان به خصوص کودکان یتیم در شعر پروین، نمایانگر یکی از ویژگی های رمانتیک است. «در قرن ۱۸ در ادبیات انگلیس هم ویلیام بلیک شاعر عارف انگلیسی در مجموعه آوازهای معصومیت اشعاری درباره ی کودکان و یتیمان سرود که شباهت بسیاری به سروده های خانم پروین دارد.» (۱۲). برای نمونه، پروین در قطعه ی زیر به خوبی توانسته است احساسات کودکی یتیم را ترسیم کند که مورد بی مهری همسالان خود قرار گرفته است:

دی کودکی به دامن مادر گریست زار کز کودکان کوی، به من کس نظر نداشت

آرایه استعاره: دامن استعاره از آغوش مادر

طفلی، مرا ز پهلوی خود بیگانه راند آن تیر طعنه، زخم کم از نیشتر نداشت

آرایه استعاره: تیر طعنه استعاره از نیش و کنایه

اطفال را به صحبت من، از چه میل نیست کودک مگر نبود، کسی کو پدر نداشت (پروین اعتصامی، ۱۵۵).

کودکان یتیم در دیوان پروین اعتصامی بیش از همه به ارزش مادر و مهر و عطف او واقفند و از فقدان مادر فغان بر می آورند:

روی مادر ندیده ام هرگز چشم طفل یتیم روشن نیست

دامن مادران خوش است، چه شد که سر من به هیچ دامن نیست؟ (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹، ۳۴).

مجموع بررسی ها پیرامون خانواده در دیوان پروین اعتصامی نشان می دهد، از میان اعضای خانواده زن نقش مؤثرتر و پررنگ تری در خانواده و مناسبات خانوادگی دارد. او به طور مطلق، از جایگاه مهمی در غنای کارکرد روانی خانواده برخوردار است و خانه بی حضور او، روح و نشاط ندارد. زن در نقش مادر، از جایگاهی بس والا و تأثیر گذار برخوردارست، در حالی که مرد در مقام پدر، نقش کم رنگی در دیوان پروین اعتصامی دارد و بیشتر به عنوان نان آور خانواده مطرح است و حتی برخی مسئولیت ها در زندگی که به نظر می رسد مربوط به اوست، مادر بر عهده می گیرد. ن و شوهر در نظر شاعر، هر دو به طور مساوی در تحکیم خانواده و حفظ آن از آسیب ها نقش دارند و هیچ یک در این امر بر دیگری برتری ندارد.

۳-۵- رابطه مادر و فرزند در ابیات فروغ (تحلیل اشعار)

شعر رویا از جمله اشعار فروغ فرخزاد است که در آن به مرور خاطرات گذشته خویش پرداخته است. در بیتی از آن می گوید:

همچو طفلی پشیمان دویدم تا که در پایش افتم به خواری (رویا، ۲۸).

در این بیت گرچه فروغ از طفل سخن می گوید اما اشاره ای به شخصیت کودک نداد و تنها خود را همچون کودکی که در پی مادر روانه می شود می داند که در پی خواسته یا معشوق خویش روانه شده است.

شعر دیو شب نیز یکی دیگر از اشعار مجموعه اسیر است. در این شعر ضمن اشاره به کودک و شاید رنجشهایی که به سبب فرزند برای مادر پیش می آید همچو مادران قدیمی لالایی می خواند و در آن به دیو و تاریکی اشاره مینماید. فروغ همچون مادران قدیم که در لالایی هایشان از لولو اسم می بردند، از دیو سیاه شب می گوید. البته با این تفاوت که مادران قدیم، کودک خود را از لولو می ترساندند، اما فروغ کودک خود را از دیو شب می هراساند:

لای لای ای پسر کوچک من دیده بر بند که شب آمده است

دیده بر بند که این دیو سیاه خون به کف، خنده به لب آمده است...

آرایه ایهام: (دیو ۱. موجودی پلید، ۲. وهم و ترس شب)

... یادم آید که چو طفلی شیطان مادر خسته ی خود را آزد

دیو شب از دل تاریکیها بی خبر آمد و طفلک را برد... (فرخزاد: ۲۱ و ۲۲)

آرایه ایهام: (دیو ۱. موجودی پلید، ۲. وهم و ترس شب)

با این حال همانطور که گفته شد فروغ به سبب شکستهایی که در زندگیش متحمل شده در بیشتر اشعارش خاطرات دور و نزدیک خود را مرور می کند و به نوعی زندگی خود را شرح می دهد چنانکه در شعر گمگشته نیز به طلاق و شکست زندگی مشترک خود اشاره دارد:

دل من کودکی سبکسر بود کودکم کودکی که برد و نداد (گمگشته، ۶۳ - ۶۵)

آرایه تکرار: تکرار کلمه کودک، آرایه تشبیه: تشبیه دل به کودک

در اینجا نیز در برخی ابیات فروغ به کودک اشاره داشته و دل خود را همچون کودکی می داند که سرشار از عشق و احساسات پاک بود و حالا این احساسات جرحه دار شده است. این نمود در شعر از یاد رفته نیز کاملاً مشهود است و بوضوح مشاهده و درک می شود که فروغ از جور روزگار و سختیهایی که متحمل شده به تنگ آمده و تلاش کرده است تا این مهم را در شعر خود نمایان سازد. از آنجا که معمولاً هر فردی در اوج دلتنگی یادی از مادر می کند یا به نوعی به مادر پناه می برد و مادر را سبب آرامش خویش می داند و این مسئله بخصوص در کودکان کاملاً قابل مشاهده است فروغ نیز در این شعر و در برخی ابیات مادر خود را صدا زده و به نوعی از او می خواهد که کمک کند تا دلتنگیهای شاعر کم شود:

مادر این شانه ز مویم بردار بشکن این آینه را ای مادر (از یاد رفته ص ۶۷، ۶۸).

آرایه جناس: شانه و آینه

آرایه استعاره: شانه و آینه استعاره از غمها و خاطرات غم انگیز گذشته

فروغ در اغلب اشعارش به کودکان اشاره داشته و نوستالژی از کودک و کودکی بیان کرده است و در این راستا بیشتر در رابطه با فرزند خویش اشعار یا ابیاتی را سروده است، در واقع می توان گفت او در بیشتر اشعارش به کودک خویش اشاره کرده و همچون پروین دغدغه ی دیگر کودکان را ندارد.

طفلی غنوده در بر من بیمار، این کودک منست که بیمارست، طفلی میان آتش تب سوزد (بیمار، ۷۹-۸۰).

در این شعر و ابیات ذکر شده احساسات پاک مادرانه ی فروغ کاملاً هویداست. فروغ در شعرهایش نماینده ی زنانی است که در برابر قراردادهای دست و پاگیر سنتها و عرف جامره عصیان کرده اند. زن در شعر او گرفتار محدودیت های بی شماری است که بر او تحمیل شده است. اهمیت کار شعری فروغ در این است که نخستین زنی است که در ایران از عواطف خویش و همجنسانش به روشنی سخن می گوید و زبانی زنانه را که تا آن زمان در ادبیات ما حضور نداشت، به پیشگاه ادب فارسی تقدیم می کند و خواهان در هم شکستن چندین سال نگاه ابراری به زن است. از جمله اشعار فروغ فرخزاد که بگفته کارشناسان ادبی و منتقدین بیشترین نوستالژی دوران کودکی را دارا می باشد همین شعر آن روزها است که در آن فضا و خاطران دوران کودکی

را به زیبایی هرچه تمامتر ترسیم کرده است. عروسک از جمله اسباب بازی های دختران است که فروغ با الهام از آن، شعر «عروسک کوکی» را می سراید و انسان را مورد انتقاد قرار می دهد. این نمونها در شعر بعد از تو نیز کاملاً مشاهده می گردد: و مرگ، زیر چادر مادر بزرگ نفس می کشید: آرایه تشخیص: نفس کشیدن مرگ (جان بخشیدن به مرگ) در خاطرات کودکانه یک پشت بام کاه گلی (بعد از تو، ۳۶۳-۳۶۲).

مادر بزرگ نشان از گذر عمر و یک دنیا خاطره است و پشت بام کاه گلی هم خاطرات شیرین خوابیدن بر روی پشت بام در فصل تابستان و تمام نوستالژیهای کودکی را بدنبال دارد و تنها به این دلیل است که فروغ به کودک یا مادر بزرگ در این اشعار اشاره کرده است. به آفتاب سلامی دوباره خواهیم داد یکی از شعرهای مجموعه تولدی دیگر است. این مجموعه سیر تکاملی و کمال گرایی را در اشعار فروغ بیان می کند و امید شاعر به آینده را نشان می دهد:

به مادرم که در آئینه زندگی میگرد و شکل پیری من بود (به آفتاب سلامی دوباره خواهیم داد، ۳۳۴).

در بیت بالا شاعر مادرش را شکلی از آینده خود می داند و در واقع نماد رشد و کمال شاعر در گذر زمان می باشد. ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد این مجموعه و این شعر نیز همچون تولدی دیگر از آثار مشهود و قابل تقدیر فروغ است که نشان از پختگی شاعر داشته و باز هم در آن خود را مثال زده که اینبار دیگر بر خلاف اشعارش در گذشته دردهای شخصی و احساسات زنانه و عاشقانه خویش را به تصویر نمی کشد و تنها تلاش می کند تا اندیشه های بسته و تعصب آلود حاکم بر جامعه را با بیانی قوی و جذاب از بین ببرد. در نظر نگارنده منظور شاعر از بیت ذکر شده در بالا رها کرده غمها و خاطرات غمبار و آغز زندگی جدید همراه با رهایی از تلخیهای گذشته است. اشعار فروغ فرخزاد از نمونه های برجسته ادبیات معاصر از یک حس نوستالژی به طور ناخودآگاه بهره برده است. شرایط خاص زندگی فروغ او را به گذشته خود می برد و این از عوامل ایجاد نوستالژی در آثار وی است. گذشته برای فروغ دوران کودکی، ازدواج ناموفق و دوری از فرزند است که با حسرتی وصف ناپذیر از آن یاد می کند همچنین بدبینی فروغ نسبت به جامعه او را به توصیف آرمانشهر که یکی از مبانی نوستالژی است کشانده اما در این بین نباید روح زنانه فروغ را که در بند آثار او جاری است نادیده گرفت.

۳-۶- رابطه مادر و فرزند در اشعار سیمین بهبهانی

سیمین بهبهانی به عنوان پایه گذار شیوه ای منحصر به فرد در سرایش غزل، گاهی عمق نگاهش را به دوران رمانتیسیم و حتی پیشا رمانتیسیم کشانده و تخیل مثال زدنی اش را بر محوریت کودک متمرکز کرده و اعتراض اجتماعی را مطرح کرده است؛ مانند شعر رسپی که زنی را مثال می زند که بدور از تعلقات و تعهدات زندگی دست به چنین عملی زده است آنجایی که می گوید:

نه مرا همسر و هم بالینی که کشد دست وفا بر سر من،

نه مرا کودکی و دلبندی که برد رنگ غم از خاطر من (سیمین بهبهانی، روسپی، ۲۲).

شاید این شعر به نوعی می خواسته اوضاع نابسامان آن زمان را نشان دهد که در آن به دلیل فشارهای اقتصادی زنی به روسپیگری مشغول شده تا بتواند از این راه امرار معاش کند. نقدی اجتماعی بر اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود مفاسد اجتماعی در آن دوران است که در غالب شعر بیان شده و شرح حال یک زن است بدون دل بستگیها، داشتن فرزند و تمام تعلقات تنها زندگی می کند و بدین سان. این شعر نشانی از کودکی و دوران کودکی ندارد و تنها در آن شاعر به زن روسپی اشاره دارد که بدور از قید و بندهای مادرانه و دل بستگیهای زندگی است و بنا به شرایط تن به چنین کاری داده و صراحتاً اعلام می دارد که تعلق و دل بستگی خاصی ندارد و گرفتار فساد اجتماعی است. در شعر تکاپو نیز آنجا که می گوید: کودکی باز زنده شد در من، آن صفاها و بی ریائیها (سیمین بهبهانی، تکاپو، ۲۲۶). این شعر مصداقی عاشقانه دارد و شرح حال عشاقی است که بعد از مدتها معشوقه خود را در جایی می بیند و یاد و خاطرات گذشته در او زنده می شود و آن عشق پاک و ناب و زلال در او زنده می شود که شاعر این پاکی و صداقتی را که در عشق نهفته است به کودک تشبیه کرده است که زلالی و پاکی و صداقت از ویژگیهای بارز دنیای کودکی و کودکان است. سیمین بهبهانی نیز فرزند را جدای از مادر ندانسته و رابطه این

دو را قوی و متسکیم و متأثر از هم دانسته و بیشتر در صدد آن بوده است که فرزند را به عنوان عاملی برای ایجاد انگیزه و هدفی برای تلاش، جنگیدن، بقا و ... در مادران نشان دهد (۱). بهبهانی در تمام اشعار خود به نوعی بیان می کند که مادر چگونه با چنگ و دندان تلاش می کند تا ضمن مهر ورزیدن و محبت کردن به فرزند که قلبی و بدون چمشداشت و نشأت گرفته از ذات و فطرت پاک مادری است، آرامش و آسایش را نیز برای فرزندش فراهم کند و وقتی که می بیند که نمی تواند - انتظارات و خواسته های فرزندش را فراهم آورد، از درون زجر می کشد. چنانکه در یکی از آثار سیمین بهبهانی بوضوح مشاهده می کنیم نمونه و مصداق زنی فقیر و تهیدست که قادر به برآوردن خواسته ها و توقعات فرزندش نیست و از این موضوع چقدر در رنج و عذاب است. کودک روانه از پی بود، سیمین بهبهانی در این سروده خود پاره ای از تاریخ معاصر و وضعیت معیشت مردم به عنوان نمادی از انسان های جهان را با محوریت یک کودک به تصویر می کشد. کودکی که در کوران فقر یک خانواده از چارچوب شخصیت فراتر می رود و به مرز تیپ نزدیک می شود:

نق نق کنان که: «من پسته...» «پول از کجا بیاورم من؟» زن ناله کرد آهسته.

در واقع در این اثر و دیگر آثار سیمین بهبهانی که بدین شکل گردآوری شده اند می توان این نکته را فهمید که فرزند در خانواده و بخصوص خانواده ایرانی جایگاه ویژه و خاصی نزد والدین دارد تا جایی که پدر و مادر تمام تلاش خود را می کند تا وسیله آرامش و آسایش فرزند را رقم بزند و در این میان نقش مادر و در واقع نقش زنان برجسته تر نمود پیدا کرده است. مصداق این صحبت شعر دندان مرده است که در آن زنی را مشاهده می کنیم که فرزندش بیمار است و مادر توانایی آن را ندارد که فرزندش را پیش پزشکی برای مداوا ببرد و از این موضوع رنج می برد و با خود می اندیشد که اگر کالای گرانبهایی داشت می توانست آن را بفروشد و برای مداوای فرزند اقدام کند: بدست آرد گر این زر می تواند که سیمی در بهای او ستاند:

وزان پس کودک بیمار خود را پزشکی آرد و دارو ستاند (سیمین بهبهانی، دندان مرده، ۳۴).

شاید دلیل اصلی آن سرودن این اشعار از سوی شاعرانی باشد که خود در مقام یک زن و مادر به این مقوله نگاه می کنند. یا شعر زیر:

بی خبر از رنج مادر خفته بود در کنارم کودک نوزاد من شرمگین با خویش گفتم زیر لب با چه کس گویم که این فرزند توست

؟

شسته روی چون گل فرزند را با سرشک گرم چشمان تری

آرایه تشبیه: تشبیه رخ فرزند به گل، آرایه ایهام: تر: ۱. خیس شدن ۲. اشک

طفل را افکندم و بگریختم دل پر از غم، شانه ها خالی ز بار روز دیگر کودکی بازش خبر می کشید از عمق جان فریاد را داد می زد: ای! فوق العاده ای خوردن سگ، کودک نوزاد را (فوق العاده، ۶۱-۶۰).

این شعراشاره دارد به تلاشهای مادری برای تأمین آسایش فرزند و فرزندگی که بی خبر از زنجهای مادرش غرق در اندیشه های کودکانه خویش است. یا در شعر فرشته آزادی با زهم تصویر مادری را می بینیم که فرزندش را از دست داده و اما همچنان صبر و استقامت را پیشه خود کرده است و در واقع قصد شاعر در این شعراشاره به صبر و تحملی است که در مادران در شرایط و ادوار مختلف زندگی نهفته است و همیشه با آنهاست: نوجوان جان سپرد و مادر او، جامه ی صبر خویش چاک نکرد (سیمین بهبهانی، فرشته آزادی، ۸۱).

بیت بالا شخصیت مقاوم و تسلیم ناپذیر زنان ایرانی را در مقابل جور و ستم و استثمار بیگانگان بر سرزمینش نشان می دهد که هرچند فرزندش را در راه وطن داده اما همچنان شکیبایی می کند و از خود پایداری نشان می دهد. این شعر و ابیات منتخب معرف تمام زنان و مادران ایرانی است که در تمام ادوار و خاطرات این سرزمین در تمام روزهای سخت بخصوص دوران جنگ و حتی بعد از آن با آنکه فرزندان شان شهید، جانباز

یا مفقودالثر شده اند باز هم شکر خدای را بجا آورده و همچو سرو محکم ایستاده اند.

چون روی نغز طفل تورا آیا کس، ای مادر خجسته فرخ پی

در جمع کودکان به چه مانایی؟ تا جان کودکان تو آساید (ای زن، ۹۳).

در این شعرسیمین قصد داشته تا نشان دهد در شرایط نابسمان زن گرچه احساساتی تر است اما این امر دلیل بر مظلومیت و ناتوانی او نیست زنها عشق و محبت می ورزند و میتوانند در اوضاع سخت چنان توانا باشند که خانواده را نجات دهند. آنجا که حتی در بستریبیماری هم بجای آنکه نگران خود باشد نگران فرزندان خویش است:

امشب اگر دو دیده فرو بندم از بهرکودکان چه گذارم، هیچ

این شوخ چشم دختر گل پیکر فردا که را خطاب کند مادر؟ (سیمین بهبهانی، بستر بیماری، ۸۸).

در این شعر تصویر مادری را مشاهده می کنیم که بادر دو رنج بیماری دست و پنجه نرم می کند و همچنان نگران آینده فرزندان خویش است که اگر نباشد تکلیف آنها چه خواهد شد و چه بر سر فرزندان می آید. روح اجتماعی شاعر همه عرصه های اجتماع را در برمی گیرد. گاهی یک زن یا یک مرد که نشان دهنده طیفی اجتماعی است شخصیت شعر او می شود و گاه همه زنان و همه مردان. سیمین نگاهی ویژه به زنان دارد. نگاه معتدل او زن را دوشادوش مرد و همراه او می خواهد نه همچون او. کسانی که شعرهای سیمین بهبهانی را دنبال کرده اند بدون شک به نوعی جهان وطنی از یکسو و جامع الاطراف بودن این شاعر را از سویی دیگر درک و دریافت کرده اند. در بسیاری از شعرهای سیمین بهبهانی نقش پر رنگ کودکان در مواجهه با مسائل گوناگون خصوصا مسائل اجتماعی قابل مشاهده است. نقشی که نشاندهنده اهمیت این قشر در ذهنیت اوست. شعر جیب بر آنجا که به کودکی اشاره دارد که یتیم است و مجبور است برای تأمین معاش خود دست به جیب بری بزند. عمق تنهایی و کمبودهای عاطفی را که این کودکان درک می کنند را در همین بیت زیر می توان دید: لذت بوسه‌ی مادر نجشید، پدری، در همه ی عمر، مرا دستی از عاطفه بر سر نکشید (سیمین بهبهانی، جیب بر، ۳۷). همان گونه که می دانیم توجه دومکتب ادبی یاد شده بر کودک، دارای فلسفه ای خاص است که پرداختن به آن در این مجال نمی گنجد اما جرقه های موثر آن در آثار بسیاری از شاعران، خصوصا بهبهانی غیر قابل انکار است. از مرور و مطالعه اشعار سیمین بهبهانی در می یابیم که او شاعری است که همواره در اشعارش به موضوعات اجتماعی پرداخته و به همه اقشار جامعه اعم از کودکان و نوجوانان توجه می کرده است. او با نگاه موشکافانه و تیزبینی که داشت به خلاءها، تلخی‌ها و مسائلی که قشر آسیب پذیر جامعه مانند زنان، کودکان و نوجوانان با آن درگیرند، توجه می کرد. تیزبینی و تسلط سیمین بهبهانی در سرودن اشعاری با مضمون کودکان بسیار قابل توجه است. به طور مثال در شعر «کودک و پسته» بهبهانی به طور آگاهانه، زبان این غزل را بسیار ساده تر و روان تر از سایر غزلها در نظر گرفته است و چون موضوع و مضمون شعر کودکان است از دایره واژگان ساده و محدودی استفاده می کند و زاویه دیدش در این شعر کودکانه است.

۴. بحث و نتیجه گیری

از آثار این شاعران چنین برداشت می شود که بیان احساسات و عواطف نسبت به فرزند همواره جایگاهی ویژه در شعر زن داشته است، از جمله اصلی ترین این عواطف می توان از عاطفه مادرانه نام برد. همانطور که در بالا ذکر شد جایگاه فرزند همواره در آثار ادبی به ویژه آثار ادبی زنان وابسته به جایگاه و نقش مادری بوده و تمام شاعران تلاش کرده اند تا اهمیت و جایگاه فرزند را از ابعاد گوناگون در زیر سایه مهر و محبت مادری برجسته نمایند. در دوره معاصر و همزمان با گسترش حضور زنان در اغلب عرصه های هنری در اقالیم عالم، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی، شعرای بزرگ ایرانی نیز به عواطف در شعر خویش پرداختند. بررسی این عوامل و اشعار این شاعران گویای آن است که اعتصامی با وجود صلابت شعری بی نظیر دیدگاهی عمدتاً انسان دوستانه دارد. او سعی در اصلاح آنچه نمی پسندد از طریق پند و اندرز داشته و اهمیت مادر را در همین چهارچوب برجسته می سازد. از سوی دیگر، شعر فرخزاد بیشتر زبان مادرانه ای را برجسته می سازد که تمایل به گفتگو با مخاطب خویش که عمدتاً زن می باشد دارد تا او را به ایستادگی در برابر مردان ترغیب نماید. نتایج نشان داد که در بین سه شاعر مطرح شده پروین در اشعار خود بیشتر از آرایه تشبیه و استعاره استفاده کرده است و حدود ۱۸ بر از کلمه کودک و ۲۷ بار از مادر استفاده کرده است. در حالیکه فروغ در بیشتر اشعار خود از آرایه ایهام استفاده نموده است. سیمین بهبهانی نیز بیشتر از آرایه ایهام استفاده کرده است و نسبت به فروغ فرخزاد و پروین دفعات بیشتری از لفظ کودک در اشعار

بکاربرده است اما در بین این سه شاعر پروین اعتصامی در خصوص کودکان شعر سروده و دو شاعر دیگر فقط از کلمه کودک برای تبیسه استفاده کرده‌اند. در عین حال فروغ فرخزاد تنها در اشعار خود هر جا از کودک در معنای واقعی آن استفاده کرده هدفش فرزند خودش بوده درحالیکه پروین اعتصامی تمام کودکان را مد نظر قرار داده است.

منابع

۱. دیوان پروین اعتصامی
۲. دیوان اشعار فروغ فرخزاد
۳. دیوان اشعار سیمین بهبهانی
۴. داراب پور، عیسی. (۱۳۹۰). جایگاه زن ایرانی در شعر معاصر، فصلنامه زن و فرهنگ ۳ (۷)، ۶۳-۳۸.
۵. نیکوبخت، ناصر و بزرگ بیگدلی، سعید. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی و تحلیلی جایگاه و نقش زن در مقام مادر و همسر در رمان معاصر ایران و سنگال (با تأکید بر دو رمان شوهر آهو خانم و نامه‌های بسیار طولانی). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۶(۲)، ۳۲-۱.
۶. رضایی، لیلا و مهشید رضایی ستاری. (۱۳۹۶). نقش زن در ادبیات عرب معاصر، اولین همایش ملی زنان، بازآفرینی شهری و توسعه پایدار، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه - شورای زنان فرهیخته استان کرمانشاه، ۷۸-۵۸.
۷. شاهرادی، شیرین و پالیزیان، طاهره. (۱۳۹۵). جایگاه ادبیات تطبیقی در زبان و ادبیات فارسی. مطالعات ادبیات تطبیقی، ۷، ۵۶-۴۱.
۸. (عطار، منطق الطیر، ۳۸، ۱۳۷۳).
۹. (عطار، منطق الطیر، ۶۸، ۱۳۷۳).
۱۰. شریف نسب، مریم. (۱۳۹۵). واکاوی چند کهن الگو در آثار ابوتراب خسروی. نشریه ادبیات پارسی معاصر، ۵(۱)، ۴۲-۲۱.
۱۱. فیروز آبادی، مریم السادات. (۱۳۹۲). خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی. زن و فرهنگ، ۱۷، ۴۰-۲۱.
۱۲. بهمن، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی زنانگی در شاعران زن. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، ۶۹-۱۱.
۱۳. (گینات، ترجمه ی سرتیپی، ۱۳۸۲ : ۱۲۹).
۱۴. (پرینگل: ترجمه ی ایجاد ی و شریف نسب مقدم، ۱۳۸۶).
۱۵. حسینی، سهیلا و منصور، احمد. (۱۳۹۲). جایگاه زن در ادبیات داستانی در دوره دوم متوسطه. نشریه ادبیات پارسی معاصر، ۳(۲)، ۳۸-۲۸.

The position of the child in the works of contemporary women (Parvin Etisami, Forough Farrokhzad, Simin Behbahani)

Arzoo Babaei Haqiq

Senior student of Faculty of Humanities, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Iran

Abstract

The present research studies and examines the position of women and children in contemporary Iranian literature by comparing the works of Parvin Etisami, Forough Farrokhzad and Simin Behbahani. The research tools were articles and books related to the subject. In this research, parts of the works of three famous Iranian women poets Parvin Etisami, Forough Farrokhzad and Simin Behbahani, which mention the relationship between mother and child, were examined and compared. The results showed that the position of the child has always been related to the position and role of the mother in literary works, especially the literary works of women, and all poets have tried to highlight the importance and position of the child from various dimensions under the shadow of mother's love and affection. In the contemporary period and simultaneously with the expansion of the presence of women in most of the artistic fields in Aghalim Alam, Parvin-Etsami, Forough Farrokhzad and Simin Behbani, great Iranian poets also addressed emotions in their poetry.

Keywords: Parvin Etesami, Simiman Behbahani, Forough Farrokhzad, women, mother, child
